

را) که دوخویه آنرا بجززان برگردانده (چه باید کرد؟ طبعاً این کلمه بگرجستان (جرز) برمیگردد، اما مرزبان هرگز تا گرجستان نرفته است و وشنگان نامیست که گرجی نیست. ممکنست تنها بحدس و گمان ذهن انسان در مورد بحث متوجه «جرز» نشود بلکه به «خزر» توجه کند هر چند در غیر مفهوم ساده پادشاهی خزر باشد بلکه بمفهوم محلی باشد چنانکه در مورد شهر قبله که در میان شروان (رجوع شود ببنده ۱) و شکلی (رجوع شود ببنده ۲) واقعت استعمال کرده اند. این موضع جایی بوده است که شاید خزران در آنجا بوده باشند، زیرا بلاذری (ص ۱۹۴) میگوید: «ومدینه قبله وهی الخزر» (۱). این پیشنهاد کاملاً جنبه آزمایش دارد، اما شگفتست که قبله ای که مسعودی (ج ۲ ص ۶۸) بعنوان امیر نشین جداگانه ذکر کرده در سند ابن حوقل نبوده باشد.

مسعودی امیر قبله را عنبسه واحدالعین مینامد و در تاریخ شروان پسرش بنام ابن عنبسه اشاره شده. عنبسه (شیر) قطعاً نام کنایه آمیز اوست و نتیجه حدس ما اینست که نام حقیقی او وشنگان پسر موسی بوده و بنحو با امیران اران رابطه داشته است.

۵- درباره ویزور دلیل قاطع نداریم زیرا این ضبط معمول زبان تازی برای حوزه رود ارساچای سفلیست که در زبان ارمنی بآن «وایوتس دزور» میگویند (در کتاب کنستانتین پورفیر و گنیتوس Constantin Porphyrogenitus بایتدزور Baitdzor آمده است: رجوع کنید بکتاب هوبشمان Hübschmann بنام «نامجاها در زمان ارمنی قدیم» Die altarmenischen Ortsnamen شماره ۱۱۱). در حدود اواسط قرن دهم حکمران آن قطعاً با مسافریان رابطه داشته است (رجوع کنید بکتاب مطالعات من ص ۶۹، ۳۶-۷۰ که در آنجا من پیشنهاد می کنم هویت وی را با واساک پسر سمبات از سلسله محلی ارمنی سیسکان تطبیق کنم). برای تشخیص هویت او کنیه ابوالقاسم ارزشی ندارد.

(۱) بنابر متن تازی کتاب ابن اعثم که اخیراً کشف شده جراح (که یزید دوم ۱۰۱-۵ = ۷۲۰-۴) با و حکمرانی داده بود جمعیت موغومه (ترقی؟) را کم کرد و مردم آنجا را بفسانیه در ستاق قبله کوچ داد (رجوع کنید بمقاله ان. کورات در Ankara Univer. D.T.C. fakult. dergisi چاپ ۱۹۴۹ ص ۲۶۹).

۶- ابوالهیجان روادیکی از افراد معروف خاندانیست که اصلاً تازی بوده و سپس گرد شده‌اند و پس از انقراض مسافریان (در حدود ۳۷۳-۹۳۸) تا حمله سلجوقیان (۱) سلسله اصلی شهریاران آذربایجان را تشکیل داده‌اند. پایتخت روادیان تبریز بوده اما اقطاع اول این خاندان اهر بوده است و یعقوبی (تاریخ ص ۴۶-۷) یقین دارد که حکمران آنجا بزیدالمهلبی (در حدود اواسط قرن ۸ میلادی) مقدار زمینی را که از تبریز تا البند بود بر وادبن المثنی‌الازدی تخصیص داد. موضع اخیر که باقامتگاه بابک معروف شده است در نزدیکی کوه هشتادسردر برآمدگی شرقی قراجه داغ بود و اهر (که اکنون نیز چاکم نشین قراجه داغست) در اندرون این منطقه بوده است. ده ورزقان (بفتح باضم زاء) نزدیک ۳۵ کیلومتری رود اهر است.

۷- موضوع ابوالقاسم جیدانی (الجیدانی) مانند آنست که در بند ۳ آمده است. در نسخه دیگر «الجندانی» نوشته شده که دوخویه آنرا به «الخیزانی» برگردانده است. ابودلف بی شک بنام «جندان» بدان اشاره میکند هر چند این قسمت از روایت وی را با احتیاط باید تلقی کرد. در آثار بیشتر از مؤلفان قدیم اسلامی خیزان (بلاذری ص ۲۰۶، ۲۰۵-۷) و جیدان (مسعودی ج ۲ ص ۷) و اشکال مشابه آن مانند خیداق آمده که مردمی از داغستانند و بلافاصله در شمال در بند زندگی میکنند. راستست که در حوادث سال ۳۴۴ = ۹۵۵ مسکویه (ج ۲ ص ۱۶۱) بلشکر کشی مرزبان در ناحیه «الباب» (یعنی در بند) اشاره میکند، اما بسیار بعید می‌نماید که وی توانسته باشد مردمی را که در پشت «دروازه» در بند بوده‌اند فرمانبردار خود کرده باشد. وجود خیزان (جیدان، جندان؟) در جنوب رشته کوه‌های قفقاز مطلبیست که از کتاب ابن‌خردادبه (ص ۱۲۳-۴) برمی‌آید و وی میکوشد محل وقوع داستان موسی و خضر پیامبر را (ترآن سوره ۱۸ آیه ۵۹ - ۸۱) در شروان نشان بدهد «صخره همان صخره شروان و در همان دریای گیلان و ده همان ده باجروانست» (۲)، و هنگامی که بآن جوان برخوردند

(۱) رجوع بکتاب مطالعات من ص ۱۶۷.

(۲) باجروان بمعنی بازارگاه اسم عامست. بهترین باجروان در جنوب ارس بر سر راه اردبیلست: اما شاید منظور این افسانه‌جای دیگری نزدیک شروان باشد. نخستین جایی که ازین‌جای شگفت‌سخن‌رفته در عبارت مجمع‌البحرین (قرآن سوره ۱۸ آیه ۵۹) است، بمعنی جایی که دو دریا و دو رود بهم می‌پیوندند که علما آنرا بمعنی ملتقای رود کور و ارس گرفته‌اند، رجوع شود باین‌خردادبه ص ۱۷۷. رجوع کنید به مقاله مینورسکی بعنوان موغان در دایرة‌المعارف (اسلام) ذیل.

و او (خضر) وی را کشت این واقعه در ده خیزان (نسخه بدل: حیران ، یاقوت ج ۳ ص ۲۵۲ خیزان) روی داد». نیز رجوع کنید بنزهة القلوب ص ۹۰ : خیزان ، چندان ) ، صخره‌ای که درین جا ذکر آن هست شاید همان بش برmq ( نزدیک ۷۰ کیلومتری شمال بادکوبه در ناحیه ساحلی) باشد که ده خضرزنده (۱) در نزدیکی آنست . در اندک فاصله‌ای تا آنجا دهی هست بنام خیزی ومی توان نام آنرا باخیزان ( یای معلوم یا مجهول )سنجید . با این همه هیچ اطلاعی نیست که ناحیه مستقل معتنا بهی درین سرزمین در دوره اسلامی وجود داشته باشد .

ازسوی دیگر در خطسیر ابودلف چندان(که بسیار ممکنست محرف همان کلمه‌ای باشد که ابن حوقل نقل کرده است) از میان خچن والبدین(۲) بای تخت بابك واقعت. اگر این خطسیر ساختگی نباشد می توان این چارادر کرانه راست ارس در ناحیه‌ای که امروز بنام جبرئیل (۳) است دانست .  
۸- پسران الدیرانی حکمرانان واسپوراگان(ناحیه‌وان) وازخاندان ارتسرونی اند . در ۳۴۴ = ۹۵۵ امیری که حکمرانی داشت ابوسهل همزسپ (۹۵۳-۹۷۲) خوانده می شد که پس از برادرش در نیک آشوت (۹۳۷-۹۵۳) جانشین او شده است . هر دو ازخاندان گریگور در نیک (در زبان تازی الدیرانی) (۸۷۴-۸۸۶) بودند. اشاره باوضاع واحوالی که بدان مناسبت دیسم را تسلیم کرده اند دقت ابن حوقل را می رساند .

۹- «پسران سنباط» مسلما باگراتیان ارمنی شهر آنی اند . ابن حوقل خود (در بندهای الف و پ) بسمبات شهید (۸۹۰-۹۱۴) اشاره می کند ، نوه او آشوت رحیم ( اولورمدز Olormadz) در ۹۵۲ -

(۱) اینجا يك نشانه مرزی برجسته ومشخصی هست ودر ۱۹۴۸ يك کتیبه لاتینی از دسته سپاهیان ۱۲ فولمیناتا Legio XII Fulminata در نزدیکی آن یافته اند . رجوع کنید بمجله تاریخ قدیم Vestnik drevney istorii شماره ۱ ص ۱۷۷ .

(۲) که در جنوب ارس نزدیک هشتادسر بود (در میان نواحی هورانده وکلپیر وگرمادوز) .

(۳) در حدود ۸۳۵ میلادی امیری ترسا بنام عیسی بن یوسف (یا ابن اصطیقا- نوس زیرا مادرش خواهر اصطیقا نوس بود) درین جا بوده است. درباره وی وقلبرو او رجوع کنید بمحیفة ۱۵۴ ، من نتوانسته ام جانشینان او را معین کنم.

۹۷۷ فرمانروایی داشته است. مبلغی که با گراتیان تعهد کرده اند بپردازند و بیزان ده درصد از مبلغی که در اصل قید شده بود کمتر بود باغلب احتمال پولی بوده است که برای حفظ امنیت خرج می کرده اند و با گراتیان این مبلغ را برای پاسبانی راههای داخلی دیلمیان می پرداخته اند. از تاریخ شروان (رجوع کنید بمطالعات من ص ۱۰ - ۱۱) چنین برمی آید که مرزبان يك بادگان دیلمی در دوین داشته است و آشوت بیهوده کوشید این شهر را بگیرد.

۱۰ - خاجین ضبط خوبی از خچن (در ارمنی خچنک) است و بجز آنست که طبری خاشن ضبط کرده است.

پرفسرای. آ. اربلی I. A. Orbeli (۱) می نویسد که امیر نشین سابق سیونیک در ۱۱۶۶ از میان رفت و «درین هنگام ایالت کوچک اورتسخ یا خچن امیر نشین شد. نام اخیر ممکنست از نام دژی آمده باشد. مرکز این امر نشین که ظاهراً جزئی از آلبانیای قدیم (الوانک) بود حوزه رود خچناچور (امروز خچن چای) و قسمتی از تتر (سابقا بدو فتحه و امروز بدو کسره) بوده است. این ناحیه جزو اراضی بخش امروزی جوانشیرست. در وضع کنونی جغرافیای تاریخی ارمنستان تقه پیامحاست مرزهای آنرا معین کرد، زیرا که در ظرف جنگهای تقریباً دایمی مرزها را کراراً تغییر داده اند.

باین نکته باید افزود که در منابع اسلامی صریحاً بوجود اقطاعی در خچن که پیش ازین در قرن دهم بوده است اشاره کرده اند.

در بند ۳ از هویت سنجاریب پسر سواده که نام بامسمای او دلیل مهم هویت اوست بحث کرده ایم. میدانیم که زن بیوه آخرین امیر سلسله مهرانی دخترش سپرما بعددجد سنجاریب در خچن در آورد. گفته اند که وی از شاخه خاندان سیونیک (۴) بوده است و جلم را گرفته، اما خچن نیز ظاهراً از آن وی بوده است (۲). باین همه در بند ۱۰ از سنجاریب خچنی دیگری (۴)

(۱) در مقاله ای بعنوان «حسن جلال شاهزاده خچن Hasan Jalal, Knyaz

khachensky» در کارنامه فرهنگستان علوم امپراطوری Izvestiya

Imper. Akad. nauk ۱۹۰۹ ص. ۴۰۵.

(۲) مگر اینکه برای دیدار زن خود که بنا بود با او ازدواج کند با نجاته

بوده باشد. رجوع کنید بصحیفه ۵۲۲.

که خراج گمتری بمرزبان می داده است آگاهی داریم . ممکنست انسان گمراه شود و تصور کند که ابن حوقل در یادداشت‌هایی که به‌عجله برمیداشت (رجوع کنید بنید ۱) درباره یک امیر بحث کرده باشد . با توجه باختلاف میزان خراج ممکنست کسی تصور کند که یک نفر باج گزار برای دو اقطاع مختلف (چلم ؟ و خچن) باج می داده باشد .

سبب این‌که در فهرست خراج خچن نامی از اسب برده شده اینست که قراباغ اسبهای نژاده داشته است . در قرن سیزدهم شوهر ملکه تامار گرجستان بنام داوید سوسلان دژ چارمانام را با یک ده در بهای یک اسب از دست داد که از واختانگ از خچن آورده بودند (رجوع شود بتاریخ گرجستان بروسه ج ۱ ص ۴۴۱) .

## ۵ - نتیجه

### الف - اصطلاحات فنی

هنوز معانی اصطلاحات فنی راجع به خراج دوره اسلامی چنان‌که باید معلوم نیست و ترجمه اصطلاحات مالی را که ابن حوقل بکار برده می‌توان تنها بعنوان آزمایش بکار برد . من اصطلاحات فنی را که ابن حوقل بکار برده نقل کرده‌ام و برای ترجمه آنها از آزمودگی کسانی که متون مانند آنرا چاپ کرده‌اند بهره‌مند شده‌ام (فهرست دوخویه در مجموعه جغرافیاهای تازی ج ۴ ، فهرست طبری ، فهرست لغات و اصطلاحاتی که آمدروز Amedroz از کتاب الوزرای هلال الصابی نقل کرده است) .

الف - الزمه - آنچه جدا گانه وصول کنند (طبری) .

ب - اموال - درآمد (شاید نقدی) ، دوخویه ج ۴ ص ۳۵۷ .

پ - الطاف - عطایا و هدایا .

ت - ضریبه - بنا بر کتاب دوخویه ج ۴ ص ۲۸۵ بمعنی اخص درآمد ، بمعنی وصولی نیست بلکه بیشتر بمعنی «خراج» است زیرا می‌توان آنرا بطرق مختلف پرداخت ، فی‌المثل از طریق عوارض گمرکی (عوارض وصولی مختلف ، مخصوصاً راهداری) .

ث - دیوان - اداره درآمدها .

ج - جبا یات - دوخویه ج ۴ ص ۲۰۲ پیشنهاد می‌کند «خراج پیش بینی

نشده» و طبری: جبا و اجتبا، خراج وصول شده، من این اصطلاح را نه بدان درجه از قطعیت ترجمه میکنم «اعانات».

چ- جزیه - مالیات سرانه ایست که غیر مسلمانان می پرداختند و مقدار آنرا بنا بر قرارداد های مخصوصی که مینوشتمند معین میکردند ( رجوع کنید باصطلاح مقاطعات ).

ح- لوازم «خراج اضافی» دوخویه مجموعه جغرافیای تازی ج ۳ ص ۳۴۸: خراج های مختلف.

خ- مقاطعه - «مال الاجاره» که بدین وسیله سر کرده ای کسی را در قلمرو بشرط پرداخت سرانه سالانه می گماشت، دوخویه ج ۲، ص ۳۲۹: قراردادی که بنا بر آن ناحیه معینی را از قلمروی بکسی میسپردند بشرط آنکه مالیات سرانه را بپردازد. من تصور نمیکم که این کلمه را درین مورد بمعنی فنی دقیق خود بکار برده باشند؛ هم چنانکه در کتاب ابن حوقل ص ۲۱۶ (چاپ کریمرس ص ۳۰۲) چنین آمده: القوانین التي هي المقاطعات، یعنی مبلغ معینی از مالیات که بنا بر ارزش قانونی (عبره) در هر سال قمری بر آورد میشد. رجوع کنید بمقاله کل. کاهن Cl. Cahen بعنوان «تکامل اقطاع» L' évolution de l'iqta' در مجله آنال (L. Febvre) چاپ ۱۹۵۳ - ص ۲۹ و ۶۷ کتاب آ.ک.س. لمبتون A.K.S. Lambton بعنوان «مالک و دهقان» Landlord and Peasant چاپ ۱۹۵۳ ص ۳۳.

د- موافقات - (کریمرس شاید پیروی از دوزی Dozy این کلمه را از موافقات بدینگونه اصلاح کرده است) معنایی مانند مقاطعات دارد هر چند دومی بیشتر افاده معنی خلعت را میکند و حال آنکه اولی شرایط مالی را که طرفین برقرار میکردند میسراند.

ذ - رسوم - بنظر میرسد بمعنی مبالغی که معمولاً وصول میشود «مطالبات» بکاررفته باشد. دوخویه ج ۴ ص ۲۴۶ آنرا معادل باخراج میدانند. ر- قانون - مساحت املاک مزروعی و عواید مبتنی بر آن، دوخویه ج ۴ ص ۳۳۳: باز دید زمین برای تعیین مبلغ ثابت مالیاتی که باید دریافت کرد.

ز- توابع «مالیات اضافی»، طبری: توابع الخراج، خراجی علاوه بر خراج معمولی، شاید هم بمعنی صدی چندی باشد که بفتح تحصیلداران خراج (معامره در کتاب هلال صابی) میفروده اند.

ب- مقدار پرداخت.

تنها در مورد واسپوراگان ابن حوقل میگوید که خراج هر سال پرداخته

میشد ، اما هم چنانکه دوخویه هم می پذیرد پرداخت همه خرجها هم بر مبنای سالیانه بوده است. خراج هر سال را در صورتی که دینار را (که در میان وایوتس دزور و اهر نقل کرده اند) بدرهم (بمیزان يك دینار در برابر ۱۵ درهم ، رجوع کنید بکتاب الخراج قدامه ص ۲۴۹) (۱) تسعیر کنیم چنین بوده است:

۱۰۰۰۰۰۰	شروان (۲)
؟	شکی
۳۰۰۰۰۰	الربع
۲۰۰۰۰۰	قبله (۴)
۵۰۰۰۰۰	وایوتس دزور
۷۵۰۰۰۰	اهرو ووزقان
۷۵۰۰۰۰	چیدان (خیزان؟)
۱۰۰۰۰۰	واسپوراکن
۲۰۰۰۰۰۰	باگراتیان
۱۰۰۰۰۰۰	خچین
<hr/>	
(۳) ۵۷۵۰۰۰۰	

(۱) هم چنین در کتاب مسکویه ج ۲ ص ۳۴ در حوادث سال ۳۳۲ = ۹۴۳ ، این حوقل ص ۱۴۶ (چاپ کریمرس ص ۲۱۸) برای سال ۳۵۸ = ۹۶۸ ، رجوع کنید بکتاب ا. دوری: تاریخ العراق ص ۲۲۲.

(۲) ملکشاه (۱۰۷۲-۱۰۹۲) کوشید که از شروانشاه فربرز ۷۰۰۰۰ دینار بگیرد ، اما این کمک واعانه تدریجا به ۴۰۰۰۰ دینار تنزل کرد ، رجوع کنید بکتاب بنداری ص ۱۴۰ . بنا بر گفته نسوی ص ۱۶۰ ، ۱۷۵ مبلغ اصلی ۱۰۰۰۰۰ دینار بوده است اما در ۶۲۲ = ۱۲۲۵ جلال الدین خوارزمشاه از شروانشاه خواست که ۵۰۰۰۰ بپردازد و سپس این مبلغ به ۲۰۰۰۰ دینار تنزل کرد. تعیین ارزش حقیقی این مبلغهای اسمی با توجه ببهران بهای نقره در قرن دوازدهم دشوار است ، رجوع کنید بکتاب ا. پاخومووف Pakhomov بعنوان پول گرجستان Moneti Gruzii چاپ ۱۹۱۰ ص ۷۹ ، ۱۱۸ .

(۳) بنا بر تخمینی که بارتولد Barthold چهاردرهم را يك روبل حساب کرده این مبلغ معادل ۱۴۳۷۵۰۰ روبل یا بیش از ۱۴۰۰۰۰ پوند انگلیسی (نرخ پیش از ۱۹۱۴) میشده است.

حتی با توجه بی اطلاعی درباره شکی و افزودن عطایای اتفاقی باز جمع خراج از ده میلیون درهمی که ابن حوقل بعنوان درآمدهای مرزبان آورده بسیار کمترست. بنا برین یا باید چنین پنداشت که صورت جاهایی که جزیه می دادند کامل نیست یا اینکه این فهرست تنها شامل خراجیست که رعایای مستقیم وی پرداخته اند. عقیده نهایی من اینست که جمع جزیه ممکنست از جمع خراجها جداگانه باشد.

اما درباره خراج اران و ارمنستان و آذربایجان که بمبلغ ۵۰۰۰۰۰ دینار (هفت میلیون و نیم درهم) تخمین شده است این قلم که در پایان بندت افزوده شده چنان می نماید مربوط بزمانی باشد که این سه ایالت را حکمرانانی که از بغداد مامور می شده اند اداره می کرده اند.

بنا بر گفته قدامه حدوسط درآمد (ارتفاع) آذربایجان (۱) ۴ میلیون و نیم درهم و از آن ارمنستان (که اران جزو آن بوده) (۲) چهار میلیون و نیم و روی هم رفته بهشت میلیون و نیم درهم می رسیده است و این مبلغ نزدیکست آنچه ابن حوقل آورده است. چنان می نماید که قدامه کتاب خود را اندکی پس از ۳۱۶ = ۹۲۸ (رجوع کنید بمقدمه دوخوبه ص ۱۰) نوشته باشد، اما بنا بر گفته فن کرمر Von Kremer ماخذ او بزمانی بسیار قدیم تر (در حدود ۲۰۴ = ۸۱۹) (۳) می رسد و بودجه معروف بعدی (متملق بسال ۳۰۶ = ۹۱۸) این عقیده را بندهن می نشاند که بازار درآمدها اندکی کساد شده بوده است. درحقیقت میبایستی درآمدها تا مقدار فراوانی بستگی باوضاع و احوال داشته باشد. هنگامی که در

(۱) قدامه در ص ۲۴۴ ولایات آذربایجان را چنین میسرمد: اردبیل، جابروان (ظاهراً ناحیه جنوب دریاچه ارومیه) و ورنان (در کنار ارس) و علاوه می کند که مرکز آن برزعه بوده است. یعقوبی در جغرافیای خود در مجموعه جغرافیاهای تازی ج ۷ ص ۲۷۴ خراج آذربایجان را بالغ بر ۴ میلیون درهم میدانند.

(۲) قدامه در ص ۲۴۶ ولایات آنرا چنین می شمارد: جرزان (گرجستان)، دبل (دوین)، برزند، سراج طبر (شیرک و تیک)، باجنیس (بز نونیک)، ارجیش، خلط، سیسجان (سیونیک)، اران، قالیقالا (ارز روم)، بسفرجان (واسپوراکان) باحاکم نشین آن درنشاوا (نخچوان).

(۳) رجوع کنید بکتاب قدامه ص ۲۳۶ سطر ۲۰، نیز رجوع کنید باشاره غیر عادی درباره مراکز اداری (قصبه) آذربایجان در برزعه و از آن ارمنستان - در نخچوان.



۲۹۶ = ۹۰۸ یوسف بن ابی الساج بحکمرانی خود نشست (۱) مجموع  
خرجهای سالانه او به ۱۲۰۰۰۰ دینار ( یک میلیون و هشتاد و یک میلیون  
درهم ) رسید و پیش از آن در حدود ۲۹۹ = ۹۱۲ یوسف کوشید که این  
مسئولیت را بگردن نگیرد.

در هر حال رقمی که ابن حوقل بعنوان عواید کلی می دهد باید  
متعلق بـمآخذی جداگانه باشد که اصلا با مآخذ زمان مرزبان ربطی  
نداشته است .

### ج- فایده کلی این قسمت‌ها

۱- با قبول اینکه این فهرست سند اصلی نیست بلکه احتمال می رود  
یک رشته اقلام و ارقامی باشد که بجغرافیا نویس ما ابلاغ یا تقریر شده، باز  
باید آنرا تصویرگرانهایی از اوضاع سیاسی ناحیه ای دانست که درباره  
آن آگاهی کافی نداریم .

۲- با توجه بکمبایی بسیار آمار مالی قرن دهم اطلاعات ابن حوقل از  
دو جهت شایان توجه است ، یکی از لحاظ نمایانند روشهای سیاسی و مالی و  
دیگر از لحاظ تعیین اهمیت نسبی این امیرنشین‌ها (۲) .

۳- امید است که این تشخیص‌ها برای تاریخ نویسان محلی که در  
مآخذ مسیحی کار میکنند سودمند باشد. کسانی مانند اشخانیق از مردم  
شکی و سنحاریب پسر سواده چنان می نماید که شایسته بررسی بوسیله منابع  
گرجی و ارمنی باشند .

---

(۱) بگفته طبری ج ۳ ص ۲۲۸۴ «در مراغه و آذربایجان» و بگفته ابن-  
الانیر ج ۸ ص ۴۲ نیز «در ارمنستان»، رجوع کنید بکتاب فن کرم  
Von Kremer بعنوان «بودجه درآمدهای سال ۳۰۶ هجری»  
Das Einnahmebudget vom Jahre 306 H چاپ ۱۸۸۷ ص ۲۹۹ .

(۲) شپولر Spuler در کتاب سابق الذکر ص ۶۷ در فصل خود درباره  
مالیات جدول ابن حوقل را تنها برای نشان دادن جزیه شروان نقل کرده است. اشاره  
غزاریان در باره عبارات ابن حوقل ناقص است ، رجوع کنید بمقاله او بعنوان

Zeit-f. arm Philologie در مجله Armenien unter d. arab. Herrschaft

۱۹۰۳ ج ۲/۳ ص ۲۰۵ .

روى هم رفته تجزيه و تحليل ما كاري مقدماتي براي نشر تاريخ قرن  
يازدهم شروانت (۱).

\*\*\*

## تكميله

هنگامي كه چاپ اين كتاب پايان رسيده بود آقاي محمدجواد مشكور  
استاد دانشمند و پركار و دقيق دانشگاه تبريز ترجمه اي از كتاب «الفرق  
بين الفرق» تاليف ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادى در گذشته در ۲۹  
را بعنوان «تاريخ مذاهب اسلام يا ترجمه الفرق بين الفرق» در تبريز ۱۳۳۳  
انتشار داد. در صحايف ۲۷۵ - ۲۷۶ و ۲۹۶ اين ترجمه در متن و حواشى  
مطالبى درباره بابك و خرم دينان هست و آنچه را در متن آمده است پيش  
از اين آورده ام. از متن تازى كتاب نخست چاپ بسيار پر غلطى بدستيارى  
محمد بدر در قاهره و بار ديگر بدستيارى محمد زاهد بن الحسن الكوثرى  
در قاهره در ۱۳۶۷ = ۱۹۴۸ چاپ كم غلط ترى انتشار داده اند. عبدالرزاق  
ابن رزق الله بن ابى بكر بن خلف رى معنى مختصرى از اين كتاب ترتيب داده كه  
بنام «مختصر كتاب الفرق بين الفرق» بدستيارى فيليب حتى در ۱۹۲۴ در  
قاهره چاپ شده است. در چاپ اول (ص ۲۵۱) در پايان كار بابك گفته  
شده است: «اخذ بابك واخوه اسحق بن ابراهيم» و در چاپ دوم (ص ۱۶۱)  
نيز عينا چنين آمده است. در نسخه مختصر آن (ص ۱۶۳) نيز چنينست و از  
اين جا معلوم مى شود كه اين خطا از ناشران نيست بلكه از مولف كتابست  
و ابومنصور بغدادى كه از مآخذى اين مطلب را درباره بابك نقل کرده  
است بجای اينكه عبارت را «اخذ اسحق بن ابراهيم بابك واخوه» بنويسد  
يعنى اسحق بن ابراهيم مر بابك و برادرش را گرفت اهمال کرده و عبارت  
راست تر «اخذ بابك واخوه اسحق بن ابراهيم» نوشته كه معنى روشن تر  
آن اينست كه بابك و برادرش اسحق بن ابراهيم گرفتار شدند و حال آنكه در همه  
مراجع ديگر نام برادر بابك را كه گرفتار شده عبدالله نوشته اند قطعاً پدر  
بابك ابراهيم نام نداشته است و اسحق بن ابراهيم درين مورد همان مرد معروف

(۱) رجوع كنيد بصحيفه ۱۴۸ با دداشت شماره (۱). فصول راجع بشروان  
و الباب را فصل مربوط بشداديان گنجه كتاب من بعنوان «مطالعات در تاريخ قفقاز»  
Studies in Caucasian History چاپ ۱۹۵۳ تكميل مى كند.

از خاندان مصعبی یا طاهر است که صاحب شرطه بغداد و از مردان نامی دربار معتصم بود و معتصم او را زمانی بچنگ بابک فرستاد و تازه بابک و برادرش را وی اسیر نکرد و افشین گرفتار کرد، چنانکه بتفصیل در صحایف گذشته این کتاب از روی مآخذ معتبر آورده‌ام. پس این نکته بکلی نادرست است که برادر بابک اسحق بن ابراهیم نام داشته باشد. ابو منصور بغدادی باز جای دیگر (ص ۱۶۸) از چاپ اول و ۱۷۱ از چاپ دوم همین خطای خود را مکرر کرده و پس از ذکر گرفتاری و مصلوب شدن بابک گوید: «ثم اخذ اخوه اسحق و صلب ببغداد» و در مختصر کتاب نیز چنینست و فیلیب حتی در حاشیه ص ۱۷۳ افزوده است «اسحق بن ابراهیم اخو بابک و سمی اتباعه «اسحاقیه» و آقای مشکور هم بدان اعتماد کرده و در حاشیه ترجمه خود گفته است: «اسحاق بن ابراهیم برادر بابک و پیروان او را اسحاقیه گویند (حتی)» و حال آنکه در هیچ جای دیگر ذکری ازین نیست که برادر بابک فرقه مخصوصی از پیروان داشته که آنها را اسحاقیه گفته باشند و آنچه فیلیب حتی درین زمینه افزوده از خود ساخته است. این نکته بدلایلی که گذشت قطعاً نادرستست و باهمه مراجع دیگر مبیاینتی سخت آشکار دارد.

نکته دیگر که باید بر آنچه پیش ازین گذشت افزود اینست که ابو-العباس احمد بن یحیی بن جابر بلاذری در کتاب معروف «فتوح البلدان» چاپ لیدن ص ۳۲۹-۳۳۰ در باره برزند مینویسد: «برزند قریه‌ای بود و افشین حیدر (۴) بن کوس عامل امیر المؤمنین المعتصم بالله در آذربایجان و ارمنستان و جبل در زمان چنگ با بابک خرمی کافر آنرا لشکر گاه ساخت و دژی کرد». جای دیگر (ص ۳۴۰) که سخن از مازیار بمیان آورده است در پایان کارش میگوید: «در سرمن رای بابک خرمی بر عقبه‌ای که و بر وی مجلس شرطه است بدار آویخته شده».

بزبان روسی هم کتابی جداگانه در باره بابک تألیف تو مارا Tomara نوشته شده که در مسکو در ۱۹۳۶ انتشار داده‌اند. شنیده‌ام آقای ابوالقاسم پرتو اعظم هم نمایشنامه‌ای در باره بابک نوشته و چاپ کرده است. طهران ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۳

## مهمترین مراجع دربارهٔ بابک و خرم دینان

(دو رقمی که در برابر نام مؤلفان گذاشته شده نماینده سال ولادت و مرگ آنها و یک رقم نماینده سال رحلت آنهاست و رقمی که در برابر نام کتابها آمده نماینده سال تألیف آنهاست).

### ۱- کتابهای تازی بترتیب زمان مؤلف

- (۱) امام ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶) - کتاب المعارف - چاپ گوتینگن ۱۸۵۰ - چاپ قاهره ۱۳۰۰ - چاپ قاهره ۱۳۵۳ = ۱۹۳۴
- (۲) ابوالعباس یا ابوالحسن یا ابوجعفر و یا ابوبکر احمد بن یحیی بن جابر ابن داود بلاذری بغدادی (۲۷۹) - فتوح البلدان - چاپ لیدن ۱۸۶۳ - ۱۸۶۶ ، چاپ قاهره ۱۳۱۹ = ۱۹۰۱
- (۳) ابوالفضل احمد بن طاهر بن فضل، ابن طیفور خراسانی بغدادی (۲۰۴-۲۸۰) ، کتاب بغداد، چاپ لایپزیگ ۱۹۰۸ - چاپ قاهره بی تاریخ .
- (۴) احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی یعقوبی معروف بابن واضح (۲۸۴) - کتاب البلدان چاپ لیدن ۱۸۶۰-۱۸۶۱ ، چاپ لیدن ۱۸۹۲ - چاپ نجف ۱۳۳۷ = ۱۹۱۸
- تاریخ الیعقوبی، (۲۵۲) - چاپ لیدن ۱۸۸۳ - چاپ نجف ۱۳۵۸ = ۱۹۳۹
- (۵) ابوحنیفه احمد بن داود بن ونشد دینوری (۲۸۲ یا ۲۹۰) - اخبار الطوال چاپ لیدن ۱۸۸۸ - ۱۹۱۲ ، چاپ قاهره ۱۳۳۰ .
- (۶) ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خرداذبه ( ۲۱۱ - حدود ۳۰۰) - کتاب المسالك والممالك (۲۳۲ و ۲۷۲) ، چاپ لیدن ۱۸۸۹ = ۱۳۰۶
- (۷) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی ابن الفقیه (اواخر قرن سوم) - مختصر کتاب البلدان (پس از ۲۷۹) - چاپ لیدن ۱۸۸۵

۸) ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد طبری آملی (۲۲۴-۳۱۰) -  
تاریخ الامم والملوک (۳۰۲) ، چاپ لیڈن ۱۸۷۶-۱۹۰۲ ، چاپ قاہرہ

۱۳۳۶ ، چاپ قاہرہ ۱۳۴۸

۹) امام ابو الحسن اسمعیل اشعری (۳۲۴) - مقالات الاسلامیین واختلاف  
المصلین ، چاپ استانبول ۱۹۲۹-۱۹۳۳

۱۰) ابو الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (۳۴۵ یا ۳۴۶) - کتاب التنبیہ  
والاشراف ، چاپ لیڈن ۱۸۹۴ ، چاپ قاہرہ ۱۳۵۷ = ۱۹۳۸

مروج الذهب ومعادن الجواهر ، چاپ بولاق ۱۲۸۳ ، چاپ پاریس ۱۸۶۱ -  
۱۸۷۱ ، چاپ قاہرہ ۱۳۰۲-۱۳۰۴ ، چاپ قاہرہ ۱۳۰۳ ، چاپ پاریس

۱۹۱۴ ، چاپ پاریس ۱۹۲۹ ، چاپ قاہرہ ۱۳۴۶ ، چاپ قاہرہ ۱۳۵۷  
۱۱) مطہر بن طاہر مقدسی (اواسط قرن چہارم) ، کتاب البدء والتاریخ

(۳۵۵) - چاپ پاریس ۱۸۹۹-۱۹۰۶

۱۲) قاضی ابو علی المحسن بن ابی القاسم علی بن محمد بن ابی الفہم داؤد بن  
ابراہیم بن تمیم تنوخی (۳۲۷ یا ۳۲۹-۳۸۴) جامع التواریخ المسمی  
بنشواری المحاضرة و اخبار المذاکرہ ، چاپ لندن ۱۹۲۱ ، چاپ دمشق

۱۳۵۱ - ۱۳۴۸

۱۳) ابو الفرج محمد بن اسحق بن ابی یعقوب ندیم وراق بغدادی ، ابن الندیم  
(حدود ۳۸۵) - کتاب الفہرست یا فہرس العلوم (۳۷۷) چاپ لایپزیگ

۱۸۷۱-۱۸۷۲ ، چاپ قاہرہ بی تاریخ .

۱۴) ابو عبد اللہ محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی (۳۸۷) ، مفاتیح  
العلوم ، چاپ لیڈن ۱۸۹۵ ، چاپ قاہرہ بی تاریخ .

۱۵) ابو القاسم محمد بن حوقل ضبی بغدادی موصلی ابن حوقل (اواسط  
قرن چہارم) کتاب المسالك والممالك (۳۶۷) چاپ لیڈن ۱۸۸۰

کتاب صورة الارض - چاپ لیڈن ۱۹۳۸-۱۹۳۹

۱۶) ابو اسحق ابراہیم بن محمد کرخی فارسی اصطخری (اواسط قرن  
چہارم) صور الاقالیم ، چاپ گوتا ۱۸۳۹ .

مسالك الممالك ، چاپ لیڈن ۱۸۷۰-۱۸۹۴ ، چاپ لیڈن ۱۹۲۷

۱۷) شمس الدین ابو عبد اللہ محمد بن احمد بن ابی بکر البناء مقدسی بشاری  
(نیمہ دوم قرن چہارم) ، احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم ، چاپ لیڈن

- ۱۸۷۷ ، چاپ کلکته ۱۸۹۷ - ۱۹۰۱ ، چاپ لیدن ۱۹۰۶
- (۱۸) امام احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه خازن رازی اصفهانی (۴۲۱) ،  
تجارب الامم و تعاقب الهمم (۳۶۹) ، چاپ لندن ۱۹۰۹ - ۱۹۱۷ ، چاپ  
قاہرہ ۱۳۳۲ = ۱۹۱۴
- (۱۹) ابو منصور عبدالقاهر بن طاہر بغدادی (۴۲۹) ، الفرق بین الفرق ،  
چاپ قاہرہ بی تاریخ ، چاپ قاہرہ ۱۳۶۷ = ۱۹۴۸ ، رجوع کنید  
بشماره ۳۰ و ۶۸
- (۲۰) یحیی بن سعید بن بطریق انطاکی (۴۵۸) ، تاریخ مجموع (۴۰۷) ،  
چاپ بیروت ۱۹۰۹
- (۲۱) قاضی ابوالقاسم صاعد بن احمد بن عبدالرحمن بن محمد بن صاعد  
قرطبی اندلسی طلیطلی معروف بقاضی صاعد (۴۲۰ - ۴۶۲) ، طبقات  
الامم ، چاپ بیروت ۱۹۱۲
- (۲۲) ابوالمظفر شافہور بن طاہر بن محمد اسفرائینی (۴۷۱) ، التبیصیر  
فی الدین و تمييز الفرقة الناجية من الفرق الهالكين ، چاپ قاہرہ  
۱۳۵۹ = ۱۹۴۰
- (۲۳) ابوالقاسم حسین بن محمد بن المفضل بن محمد راغب اصفهانی (۵۰۲) -  
محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء ، چاپ بولاق - ۱۲۸۴ ،  
۱۲۸۷ ، چاپ قاہرہ ( در حاشیه ثمرات الاوراق ابن حجه حموی )  
۱۳۰۵ ، چاپ قاہرہ ۱۳۱۰ ، چاپ قاہرہ ۱۳۲۴ ، چاپ قاہرہ ۱۳۲۶
- (۲۴) ابوالفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن ابی بکر احمد شہرستانی  
اشعری (۴۶۷ - ۵۴۸) - کتاب الملل و النحل ، چاپ لکنہو ۱۲۶۳ ،  
چاپ قاہرہ ۱۲۸۸ ، چاپ طهران ۱۲۸۸ ، چاپ لندن ۱۸۴۲ ، چاپ قاہرہ  
۱۳۱۷ ( در حاشیه کتاب الفصل ابن حزم ) ، چاپ لندن ۱۹۲۸ ، چاپ  
قاہرہ ۱۹۴۸ = ۱۳۶۸ ، رجوع کنید بشماره ۵۰ و ۵۸
- (۲۵) قاضی تاج الاسلام ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور بن ابی بکر  
محمد تمیمی سمعانی مروزی (۵۰۶ - ۵۶۲) ، کتاب الانساب ، چاپ  
لندن ۱۹۱۲
- (۲۶) ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی قرشی بغدادی ، ابن  
الجوزی (۵۰۸ - ۵۹۷) ، نقد العلم و العلماء او تلبیس ابلیس ، چاپ  
قاہرہ ۱۳۴۰

(۲۷) امام فخرالدين ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسين بن حسن بن علي تميمي  
بكري طبرستاني رازي معروف بابن خطيب و امام المشككين (۵۴۳  
يا ۵۴۴-۶۰۶) اعتقادات فرق المسلمين، چاپ قاهره ۱۳۵۶ = ۱۹۳۸  
(۲۸) شهاب الدين ابو عبد الله ياقوت بن عبد الله رومي حموي بغدادی (۵۷۵-  
۶۲۶)، ارشاد الارب الي معرفة الاديب معروف بمعجم الادبا يا طبقات  
الادباء، چاپ لندن ۹۰۹-۱۹۱۶، چاپ لندن ۱۹۲۳-۱۹۳۱، چاپ  
قاهره ۱۹۴۲

معجم البلدان (۶۲۱)، چاپ لايبزيگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ لايبزيگ  
۱۹۲۸، چاپ قاهره ۱۳۲۳-۱۳۲۴

(۲۹) عزالدين ابوالحسن علي بن ابی الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم  
ابن عبد الواحد شيباني، ابن الاثير (۵۵۵-۶۳۰)، تاريخ الكامل ياكمل  
التواريخ ياكمل في التاريخ (۶۲۸)، چاپ ليدن ۱۸۵۱-۱۸۷۱،  
چاپ بولاق ۱۲۹۰، چاپ قاهره ۱۳۰۲، چاپ قاهره ۱۳۴۸  
اللباب في معرفة الانساب، چاپ قاهره ۱۳۵۶-۱۳۵۷

(۳۰) عبدالرزاق بن رزق الله بن ابی بكر بن خلف راسعني، مختصر فرق  
بين الفرق (۶۴۷)، چاپ قاهره ۱۹۲۴  
(۳۱) ابوالفرج غريغوريوس بن هارون مورخ، ابن العبري (۶۲۳-۶۸۵)،  
تاريخ مختصر الدول، چاپ اكسفر د ۱۶۶۳، چاپ بيروت ۱۸۹۰

(۳۲) شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز ذهبي دمشقي  
فارغی (۶۷۳-۷۴۸)، دول الاسلام (۷۴۴)، چاپ حيدر آباد  
دکن ۱۳۳۳

(۳۳) امام عقيف الدين ابو محمد عبد الله بن اسمعيل بن علي بن سليم بن فلاح  
يا فعي يمني مكي (۶۹۸-۷۶۸)، مرآة الجنان و عبرة اليقظان (۷۵۰)،  
چاپ حيدر آباد دکن ۱۳۳۴-۱۳۳۹

(۳۴) عماد الدين ابوالفدا اسمعيل بن عمر بن كثير قرشي بصري دمشقي ابن  
كثير (۷۰۰-۷۷۴)، البداية و النهاية (۷۶۷)، چاپ قاهره  
۱۳۴۸-۱۳۵۸

(۳۵) ولي الدين ابوزيد عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن خلدون تونسي  
حضر مي اشبيلي (۷۳۲-۸۰۸)، كتاب العبر و ديوان المبتدا و الخبر في ايام

العرب والعجم والبربر ومن عاهدهم من ذوى السلطان الاكبر (٧٩٧) ،  
چاپ بولاق ١٢٨٤

(٣٦) حاجى خليفه مصطفى بن عبدالله كاتب چلبى قسطنطينى (١٠٠٤-١٠٦٧)  
تقويم التواريخ ، چاپ قسطنطينيه ١١٤٦ ، چاپ ونيز ١٦٩٧  
(٣٧) ابوالفلاح عبدالحى بن عماد حنبلى (١٠٨٩) ، شذرات الذهب فى اخبار  
من ذهب (١٠٨٠) ، چاپ قاهره ١٣٥٠-١٣٥١

#### ٤- كتابها ومقالات پارسی بترتيب زمان تأليف

(٣٨) ابوعلی محمد بن ابوالفضل محمد بن عبيدالله بلعمى وزير معروف  
باميرك بلعمى (٣١٣) ، ترجمه تاريخ طبرى (٣٥٢) چاپ لکنهو ١٢٩١  
= ١٨٧٤ ، چاپ کانپور ١٨٩٦ ، چاپ کانپور ١٩١٦ ، چاپ کانپور ١٣٣٤  
(٣٩) مؤلف نامعلوم - حدود العالم من المشرق الى المغرب (٣٧٢) ، چاپ  
ليننگراد ١٩٣٠ ، چاپ طهران ١٣٥٢  
(٤٠) ابوالفضل محمد بن حسين حارث آبادى بيهقى (حدود ٣٨٦-٤٧٠) ،  
تاريخ مسعودى معروف بتاريخ بيهقى ، چاپ کلکته ١٨٦١-١٨٦٢ ،  
چاپ تهران ١٣٠٧ ق. چاپ تهران ١٣٢٤ ش. چاپ تهران ١٣٢٩-١٣٣٢  
(٤١) ابوسعید عبدالحى بن ضحاک بن محمود گرديزى (نيمه اول قرن پنجم) ،  
زين الاخبار (٤٣٢) ، چاپ برلين ١٣٤٧ = ١٩٢٨ ، چاپ تهران ١٣١٥ ش. ،  
چاپ تهران ١٣٣٣ .

(٤٢) خواجه نظام الملک رضى امير المؤمنين ابوعلی حسن بن علی بن اسحق  
طوسى وزير (٤٠٨-٤٨٥) ، سياست نامه يا سير الملوك (٤٨٤) ، چاپ  
پاریس ١٨٩١ ، چاپ بمبئى ١٣٣٠ ق. ، چاپ تهران ١٣١٠ ش. ، چاپ  
تهران ١٣٢٠ ش.

(٤٣) مؤلف نامعلوم ، مجمل التواريخ والقصص (٥٢٠) ، چاپ پاریس ١٨٤١  
- ١٨٤٢ ، چاپ تهران ١٣١٨ ش.

(٤٤) بهاء الدين محمد بن حسن بن اسفنديار (اويل قرن هفتم) ، تاريخ طبرستان  
(٦١٣) ، چاپ تهران ١٣٢٠ ش.

(٤٥) نورالدين باسندى الدين محمد بن يحيى بن طاهر بن عثمان عوفى بخارى ،  
جوامع الحكايات ولوامع الروايات (حدود ٦٣٠) .



٤٦) منہاج الدین ابو عمر و عثمان بن سراج الدین محمد کوز گانی (نیمہ اول قرن ہفتم)، طبقات ناصری (٦٥٨)، چاپ کلکتہ ١٨٦٣-١٨٦٤، چاپ کویتہ و کابل ١٣٢٨ = ١٩٤٩ .

٤٧) سید مرتضیٰ بن داعی حسینی رازی (نیمہ اول قرن ہفتم)، تبصرۃ العوام فی مقالات الانام، چاپ تہران (درذیل دو چاپ قصص العلماء)، چاپ تہران ١٣١٣ ش.

٤٨) جمال الدین ابوالقاسم عبداللہ بن علی بن محمد کاشانی (نیمہ دوم قرن ہفتم) زبدۃ التواریخ (حدود ٧١٧) .

٤٩) حمد اللہ بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی (نیمہ اول قرن ہشتم) نزہۃ القلوب (٧٣٥)، چاپ بمبئی ١٣١١ ش . ، چاپ لندن ١٩١٥

تاریخ گزیدہ (٧٤٠)، چاپ پاریس ١٩٠٣، چاپ لندن ١٩١٠

٥٠) خواجہ افضل الدین محمد بن صدر الدین ابو حامد محمد ترکہ اصفہانی معروف بافضل الدین صدر ترکہ (٨٥٠)، تمقیح الادلۃ والعلل فی ترجمۃ

کتاب الملل والنحل از شہرستانی (٨٤٣)، چاپ تہران ١٣٢٠

٥١) فصیح الدین احمد بن محمد فصیحی خوافی (متولد در ٧٧٧)، مجمل فصیحی (٨٤٥) .

٥٢) سید ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی (حدود ٨١٥-٨٩٤)، تاریخ طہرستان و رویان و مازندران (٨٨١)، چاپ سن پترزبورگ ١٨٥٠

٥٣) محمد بن خاوندشاہ بن محمود میرخواند بلخی (٨٣٧-٩٠٣)، روضۃ الصفا فی سیرۃ الانبیاء والملوک والخلفاء، چاپ بمبئی ١٨٤٥، چاپ تہران

١٢٧١ ق . ، چاپ لکنہو ١٨٧٤، چاپ لکنہو ١٨٨٣، چاپ لکنہو ١٩١٤ = ١٣٣٢

٥٤) غیاث الدین بن ہمام الدین محمد ہروی خوند میر (٨٨٠-٩٤٢)، خلاصۃ الاخبار فی بیان احوال الاخیار (٩٠٥) .

حبیب السیر فی اخبار افراد البشر (٩٣٠)، چاپ تہران ١٢٧١ ق . ، چاپ بمبئی ١٨٥٧، چاپ تہران ١٣٣٣ ش.

٥٥) قاضی احمد بن محمد غفاری قزوینی (٩٧٥)، نگارستان (٩٥٩)، چاپ بمبئی ١٨٢٩، چاپ بمبئی ١٢٧٥ = ١٨٥٩ .

- ۵۶) احمد بن نصر الله ديبلى تنوى (باهمكارى: نقيب خان و شاه فتح الله و حكيم همام و حكيم على و حاجى ابراهيم سرهندي و ميرزا نظام الدين احمد و عبدالقادر بن ملو كشاه بداونى)، تاريخ الفى (۹۹۷).
- ۵۷) مجدالدين حسيني مجدى - زينة المجالس (۱۰۰۴)، چاپ تهران ۱۲۷۶، چاپ تهران ۱۲۸۵.
- ۵۸) شيخ مصطفى خالقداد هاشمى - ترجمه ملل و نحل شهرستانى (۱۰۲۱).
- ۵۹) فرونى استرآبادى، بحيره (۱۰۴۷). چاپ تهران ۱۳۲۸-۱۳۲۹
- ۶۰) ميرزا محمد صادق بن محمد صالح زبيرى صادقى اصفهانى آزادانى (۱۰۱۸-۱۰۶۱)؛ شاهد صادق.
- ۶۱) محمد حسن خان مراغى صنيع الدوله و اعتماد السلطنه (۱۳۱۳)، منتظم ناصرى (۱۳۰۰)، چاپ تهران ۱۲۹۸-۱۳۰۰
- ۶۲) عباس اقبال - خاندان نوبختى - چاپ تهران ۱۳۱۱
- ۶۳) مجتبى مينو و صادق هدايت، مازيار - چاپ تهران ۱۳۱۲.
- ۶۴) سعيد نفيسى، بابك خرمدين - مجله مهر سال اول شماره ۹ - بهمن ماه ۱۳۱۲، شماره ۶۷، شماره ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲، شماره ۷۵۳، شماره ۱۲ ارديبهشت ماه ۱۳۱۳، شماره ۹۳۷.
- گرفتارى و كشته شدن بابك - مجله مهر سال دوم شماره ۱ - خرداد ماه ۱۳۱۳، شماره ۳ - شماره ۳ - امرداد ماه ۱۳۱۳، شماره ۲۲۵.
- ۶۵) دكتور ذبيح الله صفا - بابك خرم دينى - مجله ارتش سال ۸ شماره ۸ - آبان ماه ۱۳۲۸، شماره ۱۹، شماره ۹ - آذر ماه ۱۳۲۸، شماره ۵۳، شماره ۱۰ دى ماه ۱۳۲۸، شماره ۴۴.
- ۶۶) عبدالحسين زر كوب - دو قرن سكوت - چاپ تهران ۱۳۳۰
- ۶۷) [مرتضى راوندى]، تاريخ تحولات اجتماعى - مجلد سوم چاپ تهران ۱۳۳۱
- ۶۸) محمد جواد مشكور - تاريخ مذاهب اسلام يا ترجمه الفرق بين الفرق چاپ تبريز ۱۳۳۳

۳- مأخذ بزبانهای اروپایی

- 69) Histoire de la Siounie par Stépaannos Orbélian, traduite de l'arménien par M. Brosset, 2 vol. Saint - Peters - bourg 1864-1866
- 70) M. Brosset, Collection d'historiens arméniens, 2 vol. Saint-Petersbourg 1874-1876
- 71) L. A. Sédillot, Histoire générale des Arabes, 2 vol. Paris 1877.
- 72) Histoire de L' Arménie par R. P. Jacques der Issaverdens 2 vol. Venise 1888.
- 73) Ferdinand Justi, Iranisches Namenbuch, Marburg 1895
- 74) Cl. Huart, Histoire des Arabes, 2 vol. Paris 1912 .
- 75) Encyclopédie de l' Islam I, Leyde et Paris 1913 , pp . 557-558 .
- 76) Jacques de Morgan, Histoire du peuple arménien, Paris 1919 .
- 77) J. Laurent , L' Arménie entre Byzance et l' Islam , Paris 1919 .
- 78) La domination arabe en Arménie, extrait de l' histoire universelle de Vardan, traduit de l' arménien et annoté par J. Muyltermans, Louvain et Paris 1927 .
- 79) E. de Zambaur, Manuel de généalogie et de chronologie pour l' histoire de l' Islam, Hanovre 1927 .
- 80) Tomara, Babek, Maskva 1936 .
- 81) Mohsen Azizi, La domination arabe et l'épanouissement du sentiment national en Iran, Paris 1938 .
- 82) René Grousset, Histoire de l' Arménie, Paris 1947 .
- 83) Vladimir Minorsky, Caucasia IV, London, 1953

# فهرست نامهای کسان و خاندانها و نسبت ها

## و فرقه ها

آ	آ
آلانیان : ۳۲	آتش (ا): ۱۵۸
آلبانی: ۱۴۳ ، ۱۵۵	آذر نرسی: ۱۷۰ ، ۱۵۳ ، ۱۵۱
آلبانیان : ۱۵۶	آذر نرسی بن اسحق الخاشینی: ۱۵۳ ، ۱۷۳
آل بویه : ۱۳۵ ، ۱۵۸ ، ۱۶۱	آذری : ۲۸ ، ۳۴
آل رسول : ۲۰	آذین: ۷۸ ، ۸۰ ، ۹۰ ، ۹۴-۹۵ ، ۹۹-۱۰۰ ، ۱۰۸ ، ۱۴۱
آلیشان : ۱۴۸	آرشیل دوم : ۱۴۶
آمدروز: ۱۵۸ ، ۱۷۸	آرناوودها : ۳۱
	آویایی: ۲۵ ، ۳۶ ، ۶۶
	آسوغیک : ۱۶۵
	آشوت اول: ۱۲۰ ، ۱۵۲ ، ۱۷۷
	آشوت باگراتونی: ۱۴۷
	آشوت دوم پسر سمبات : ۱۷۳
	آشوت رحیم اولورمدز: ۱۷۶
	آشوت غاج : ۱۲۰
	آشوت کور : ۱۴۷
	آشوت مساکر یا مساکر : ۱۲۰-۱۲۱
	آشوغیک : ۱۴۳
	آغوان اپلاساد: ۱۱۸
	آلانی: ۳۱
اباحت (اهل) : ۲۱	
اباحتیان: ۱۹	
اباحیه: ۱۹	
اباخوس: ۷۷	
ابغازی: ۱۵۲	
ابغازیه: ۱۵۲	
ابراهیم اسحق : ۱۲۷	
ابراهیم المتقی بالله (ابواسحق): ۶۵	
ابراهیم بن اللیث بن فضل تجیبی :	
۴۶ ، ۴۸ ، ۷۵ ، ۸۱ ، ۱۲۵ ، ۱۴۹-۱۵۰	
۱۵۰ ، ۱۵۰	
ابراهیم بن المهدی: ۷۰ ، ۱۳۱	
ابراهیم بن زید : ۱۵۰	
ابراهیم بن عتاب : ۱۵۰	
ابراهیم بن محمد بن علی : ۲۲	

احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهيم  
 همدانی ، ابن الققيه ( ابو بكر ) :  
 ۱۸۵ ، ۳۴  
 احمد بن محمد فصیحی خوانفی ( فصیح  
 الدين ) : ۱۵ ، ۴۵ ، ۴۸ ، ۱۹۰  
 احمد بن محمد بن يعقوب مسكويه  
 خازن رازی اصفهانی ( ابوعلی ) :  
 ۱۳۵ ، ۱۵۷ - ۱۶۲ ، ۱۷۲ ،  
 ۱۷۵ ، ۱۸۰  
 احمد بن محمد غفاری قزوینی ( قاضی ) :  
 ۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۲۸ ، ۱۹۰  
 احمد بن نصر الله دبیلی تنوی : ۱۹۱  
 احمد بن هشام : ۷۵  
 احمد بن يحيى بن جابر بن داود بلاذری  
 بغدادی ( ابو العباس یا ابو الحسن یا  
 ابو جعفر یا ابو بكر ) ۱۴۳ ، ۱۴۸ ،  
 ۱۷۴ - ۱۷۵ ، ۱۸۴ - ۱۸۵  
 احمد حکمران بین النهرین : ۱۲۱  
 احمد کسروی ( سید ) : ۱۵۸ ، ۱۶۹  
 احمد ( میرزا نظام الدین ) : ۱۹۱  
 ادرنرسه از مردم سیسکان : ۱۵۴  
 ادرنرسه : ۱۴۹  
 ادرنرسه پادشاه گرجستان : ۱۲۱ ،  
 ۱۴۵  
 ادرنرسه دوم : ۱۵۲  
 ادرنرسی : ۱۵۱  
 ادرنرسی بن امام : ۱۵۳  
 ادرنس کور : ۱۴۶  
 ادرنسه : ۱۴۷  
 ادرنسی بطریق : ۱۵۳  
 ارانشاهیک : ۱۴۸  
 ارانی : ۳۱ ، ۳۴ ، ۱۴۲ - ۱۴۳

۲۳ ، ۲۵ ، ۶۶ - ۷۶ ، ۱۳۹  
 ابو مسلمیه : ۲۰ ، ۲۲ ر . بومسلمیه  
 ابو منصور بغدادی ر . عبدالقاهر  
 ابو موسی ر . عیسی  
 ابو موسی ایسایي : ۱۵۴  
 ابو موسی پسر شیخ : ۱۵۵ - ۱۵۶  
 ابو نهشل ر . محمد بن عبدالحمید  
 ابو هاشم ر . محمد بن حنقیه  
 ایشین ( افشین ) : ۱۱۷  
 ابلسد البانیان : ۱۵۶  
 اترجه : ۷۱ ، ۱۳۱  
 اترنرسه : ۱۵۷  
 اترنرسه پسر سهیل : ۱۷۱ - ۱۷۲  
 احمد بن ابراهيم بن اسمعيل بن داود  
 ابن حمدون ندیم ( ابو عبد الله ) : ۱۴۰  
 احمد بن ابی خالد احول : ۳۹ ، ۵۸  
 احمد بن ابی داود قاضی : ۸۱ ، ۱۲۳  
 احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب  
 ابن واضح کاتب عباسی یعقوبی ، ابن  
 واضح یعقوبی : ۲۸ ، ۳۴ ، ۴۰ ،  
 ۴۹ ، ۱۵۸ ، ۱۴۳ ، ۱۴۸ - ۱۴۹ ،  
 ۱۷۵ ، ۱۸۱  
 احمد بن جنید اسکافی : ۴۸ ، ۷۵ ،  
 ۸۱ ، ۱۲۵  
 احمد بن خلیل بن هشام : ۷۷ - ۷۸ ،  
 ۹۲ ، ۹۹  
 احمد بن داود بن وند دینوری ( ابو  
 حنیفه ) : ۱۱ ، ۵۴ ، ۱۱۳ ، ۱۸۵  
 احمد بن طاهر بن فضل ، ابن طیفور  
 خراسانی بغدادی ، ۵۴ - ۵۵ ، ۱۸۵  
 احمد بن محمد بن ابوطاهر یزید بن  
 محمد : ۱۶۹

۱۰۴ - ۱۰۷ ، ۱۱۳ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ،  
 ۱۲۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۴ ، ۱۳۷ -  
 ۱۳۸ ، ۱۳۸  
 اسحق بن ابراهیم بن میمون تمیمی  
 موصلی ، ابن الندیم ، ( ابو محمد ) :  
 ۱۳۷  
 اسحق بن اسمعیل : ۱۵۲  
 اسحق بن اسمعیل بن شعیب تفلیسی : ۵۲  
 اسحق بن سلیمان : ۴۹  
 اسحق ترک : ۷ ، ۲۵  
 اسطخری ر. ابراهیم  
 اسفندیار روین تن : ۷  
 اسکندر : ۶۵  
 اسماعیلیان : ۲۳  
 اسمعیل اشعری ( ابو الحسن ) : ۲۱ ،  
 ۱۸۶  
 اسمعیل بن عمر بن کثیر قرشی بصری ،  
 ابن کثیر ( عماد الدین ابو الفدا ) :  
 ۴۲ ، ۱۸۸  
 اسمعیل پسر احمد سامانی : ۷  
 اسمعیل ( نژاد ) : ۱۱۶  
 اسمعیل کندی : ۳۳  
 اسمعیلی ( تازی ) : ۱۱۶  
 اسمعیلی ، ۷  
 اسمعیلیان : ۲۳ ، ۲۵  
 اسمعیلیان ( تازیان ) : ۱۷۱  
 اسمعیلیه : ۱۹ - ۲۰ ، ۲۵  
 اشجانیق : ۱۶۶ ، ۱۷۰  
 اشخان سواده : ۱۷۱  
 اشخانیق ابو عبد الملك : ۱۵۳ - ۱۵۴ ،  
 ۱۶۶ ، ۱۷۰ - ۱۷۱ ، ۱۸۲  
 اشخانیک : ۱۵۳ ، ۱۷۱

۱۴۹  
 ارانیان : ۱۴۳  
 ارپلی ( .آ ) : ۱۷۷  
 ارپلیان ( استفانس ) : ۱۱۷ ، ۱۴۳ ،  
 ۱۴۵ ، ۱۴۸ - ۱۴۹ ، ۱۵۶ ، ۱۷۳  
 ارتسرونی : ۱۶۱ ، ۱۷۶  
 ارتودوکس : ۱۵۳ - ۱۵۴  
 اردشیر بن بابک بن ساسان : ۶۵  
 ارمنی : ۳۴ ، ۱۱۶ - ۱۲۱ ، ۱۳۹ ،  
 ۱۴۱ - ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۶۱ -  
 ۱۶۲ ، ۱۶۴ ، ۱۶۹ - ۱۷۰ ، ۱۷۳ -  
 ۱۷۴ ، ۱۷۶ - ۱۷۷ ، ۱۸۲  
 ارمنیان : ۳۱ ، ۳۵ ، ۶۵ ، ۱۱۶ -  
 ۱۸۸ ، ۱۲۰ ، ۱۴۲ - ۱۴۳ ، ۱۵۲ ،  
 ۱۵۶ ، ۱۶۳ - ۱۶۴ ، ۱۶۸  
 اروپایی : ۳۱ ، ۱۹۲  
 اروپاییان : ۳۱ ، ۱۱۷ ، ۱۲۰ ،  
 ازدی : ۱۷۰  
 اسب نوبتی ( اصحاب ) : ۲۵  
 استانیسیس : ۷ ، ۲۵  
 استپانوس ایلسدیا ابوالاسد : ۱۵۴ -  
 ۱۵۵  
 استخری ر. ابراهیم  
 استفانس ر. ارپلیان  
 اسجاس : ۱۷۰  
 اسحاقیه : ۱۸۴  
 اسحق بن ابراهیم ( برادر بابک ) :  
 ۲۶ ، ۱۳۹ ، ۱۸۳ - ۱۸۴  
 اسحق ( برادر بابک ) : ۲۲  
 اسحق بن ابراهیم بن مصعب : ۲۶ ،  
 ۴۰ - ۴۲ ، ۴۴ - ۴۵ ، ۵۱ ، ۵۵ -  
 ۵۹ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۸۱ ، ۹۳ ،